

مهارت‌های بزرگ

موازنه نرم از عصر امپراطوری تا جهانی شدن

تی وی. پائول

مترجم:

حسین طالبی صالحانی

محمود جواد

مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی

تهران - ۱۳۹۸

فهرست نویسی

سرشناسه: پاتول، تی. وی، ۱۹۵۶م.
عنوان و نام پدیدآور: مهار قدرت‌های بزرگ: موازنه نرم از عصر امپراطوری تا جهانی شدن تی. وی. پاتول؛ مترجمین حسین طالشی صالحانی، محمود جوادی؛ [پرای] مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
مشخصات نشر: تهران: وزارت امور خارجه، اداره چاپ و انتشارات، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۲۹۰ص. جدول
شابک: ۷-۹۲۳-۳۶۱-۹۶۴-۹۷۸
بها: ۴۵۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.
یادداشت: عنوان ملی: [2018] Restraining great Powers: soft balancing from empires to the global era.
یادداشت: کتابنامه
موضوع: موازنه قدرت
شناسه افزوده: روابط بین‌الملل
شناسه افزوده: طالشی صالحانی، حسین، ۱۳۴۳- مترجم
شناسه افزوده: جوادی، محمود، ۱۳۶۸- مترجم
شناسه افزوده: ایران، وزارت امور خارجه، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
شناسه افزوده: ایران، وزارت امور خارجه، اداره چاپ و انتشارات.
رده بندی کنگره: JZ ۱۳۱۳
رده بندی دیویی: ۳۲۷/۱۱۲
شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۸۰۳۶۱

مهار قدرت‌های بزرگ

موازنه نرم از عصر امپراطوری تا جهانی شدن

تالیف: تی. وی. پاتول
مترجم: حسین طالشی صالحانی، محمود جوادی
چاپ اول: ۱۳۹۸
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
همانگی امور نشر: بیتا طهرانیان
صفحه‌آرایی: سحر حسینی صنعتی

صفحه‌آرایی، طراحی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

اداره چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

دفتر مرکزی: تهران، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی، چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
تلفن: ۲۲۲۹۷۰۲۹، نمابر: ۲۲۸۳۲۵۶۵
تروشگاه شماره ۱: تهران، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی
تلفن: ۲۲۸۰۲۶۶۲
تروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، ساختمان ناشران، طبقه همکف پلاک ۱۶/۲۲
تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۹۰۳۱۵، تلفن فاکس: ۰۲۱-۶۶۹۵۲۲۹۰، تلفن همراه: ۰۹۳۵۹۳۰۴۳۷۱

فهرست مطالب

- پیشگفتار ۳
- فصل اول - موازنه قدرت امروزی ۱۳
- فصل دوم - چهارب استفاده از سایر ابزارها ۴۱
- فصل سوم - موازنه نیم از دوره کنسرت تا جنگ سرد ۷۷
- فصل چهارم - موازنه در دوران جنگ سرد ۱۱۹
- فصل پنجم - دوران پساجنگ سرد ۱۵۱
- فصل ششم - چین نوظهور و موازنه بخشی ۱۸۳
- فصل هفتم - موازنه بخشی در برابر روسیه بازخیزش ۲۲۳
- فصل هشتم - آینده موازنه قدرت ۲۴۷

پیشگفتار

موازنه قدرت یکی از باسابقه‌ترین و قدیمی‌ترین مفاهیم در سیاست بین‌الملل است. قدمت اسلاف آن به عهد عتیق یعنی به دوران دولت-شهرهای متنازع یونان باستان بازمی‌گردد و از قرن هفدهم به بعد، سنگ بنایی برای تثبیت و پایدارسازی قدرت‌های بزرگ جهانی به شمار می‌آمده است. این موضوع همچنین به نحو قابل استدلالی یکی از بحث‌برانگیزترین مفاهیم و راهبردها در عرصه سیاست جهانی محسوب می‌شود و این پرسش بنیادین که آیا موازنه قدرت می‌تواند موجب پیشبرد صلح یا بروز جنگ شود نیز کماکان به نحوی کامل پاسخ داده نشده است.

در این کتاب با این استدلال خواهم پرداخت که مفهوم موازنه قدرت برخلاف باور برخی از دانش‌پژوهان و سیاست‌مداران، راهبردی تغییرناپذیر نیست بلکه مفهومی است که بر مبنای سیاست بین‌الملل رور شکن می‌باید. کشورها در ادوار مختلف از فن‌های متفاوتی برای موازنه و تحدید توان دولت‌های رقیب یا تهدیدآمیز استفاده کرده‌اند. باور غالب چنین است که در طول بخش اعظمی از تاریخ، اروپاییان، قدرت‌های بزرگ با استفاده از ائتلاف‌های رسمی و تقویت بنیه نظامی به موازنه قدرت بین یکدیگر پرداخته‌اند. با این حال، آن‌ها از نهادهای بین‌المللی و تحریم‌های اقتصادی نیز به منزله ابزاری جهت موازنه نرم برای مهار قدرت و رفتارهای تهدیدآمیز دیگر دولت‌ها استفاده کرده‌اند. نظام کنسرت اروپا بین قدرت‌های اروپایی در قرن نوزدهم مثالی برجسته در این رابطه به شمار می‌آید.

موازنه نرم در قرن بیستم نیز ادامه یافت. جامعه ملل و سپس نهادهای سازمان ملل متحد، تبدیل به عرصه‌ای برای رقابت و موازنه قدرت‌های بزرگ شد. در طول جنگ سرد، قدرت‌های کوچک‌تر نیز زیر پرچم جنبش عدم تعهد در چارچوب گونه‌ای ضعیف از موازنه نرم علیه تفوق قدرت‌های بزرگ فعالیت کردند. تحریم‌های اقتصادی که غالباً با تأیید یک نهاد بین‌المللی صورت می‌گرفت، به‌عنوان ابزار موازنه نرم در جهت تحدید یا تنبیه قدرتی تهدیدگر بکار گرفته می‌شد. با پایان جنگ سرد، از اهمیت ابزارهای سنتی موازنه همچون تقویت تسلیحاتی و ائتلاف‌های رسمی کاسته شد. برای مدت دو دهه یعنی تقریباً

منابع در مقایسه با دوران گذشته یعنی زمانی شده است که قدرت‌های بزرگ اروپایی در آن دوره‌ها در مسیر تلاش در جهت افزودن ثروت مادی و قدرت خود به جنگ‌هایی عظیم پرداخته بودند. اگر جهانی شدن و وابستگی متقابل اقتصادی حاصل از آن نتواند به گسترش همکاری‌های پایدار منجر شود، این امکان وجود دارد که سیاست بین‌المللی رقابتی در شکلی انتقامی ظهور دوباره پیدا کند. ریاست جمهوری دونالد ترامپ در آمریکا در سال ۲۰۱۷ و احتمال به قدرت رسیدن سایر رهبران دست راستی در اروپا زمینه‌ساز ارجاعی دوباره به مسئله موازنه سخت به‌مثابه موضوع مباحثات روز شده است، درحالی‌که مهار نیروهایی که به دنبال بازگشت نوعی از رقابت و انزوی ژئوپلیتیکی هستند، ممکن است مستلزم استفاده بیشتر از موازنه نرم باشد.

پس از دوران - ننگ سریتس - دو نیروی «جهانی شدن» و «هنگارهای جهانی» در مواجهه با توسعه ارضی تجاوزگرانه هر شدند، ولی این شرایط مانع از دخالت آمریکا در عراق و افغانستان نشد. همزمان همین نیروها تا حدی موجب ترغیب قدرت‌های نوظهور نظیر چین و روسیه به تلطیف رفتارهای خود گردید. با این حال، از حدود سال ۲۰۰۹ به بعد، چین به نحوی فعالانه شروع به گسترش قلمرو فعالیت خود در آب‌های مناقشه‌برانگیزی نظیر دریای جنوبی چین و به شکلی فزاینده در اقیانوس هند کرد و تقریباً در اکثر موارد، واکنش کشورهای متأثر از این فعالیت‌ها غیرقاطعانه‌تر از حد انتظار بود. هند به‌عنوان سومین قدرت نوظهور در حال جهانی شدن در تمامی ابعاد کلیدی به‌ویژه در بُعد اقتصادی بوده و به‌سرعت در حال پیوند خود با نظام جهانی است. این کشور به تفاهم راهبردی محدودی با آمریکا، ژاپن و برخی از کشورهای جنوب شرق آسیا نظیر ویتنام دست یافته است.

نباید چنین تصور کنیم که آمریکا و یا قدرت‌های نوظهور هرگز دست به استفاده از نیروی نظامی خود و یا بهره‌برداری از راهبردهایی نامتقارن برای دستیابی به اهدافشان نخواهند زد. از سال ۲۰۱۰، روسیه و چین از ابزارهای نظامی در مسیر دیکته کردن برتری خود در بین همسایگان نزدیک خود استفاده کرده‌اند. کشورهای متأثر از این اقدامات در واکنش به این شرایط علاوه بر تلاش‌هایی در مسیر موازنه نرم تا حد محدودی با موازنه سخت نیز از خود پاسخ نشان داده‌اند. رکود اقتصادی عظیم و یا تحمیل موانع تجاری

حمایت‌گرایانه در کشورهای مهم می‌تواند مجدداً آتش رقابت بر سر منابع و ثروت را شعله‌ور سازد.

کشورداری دوراندیشانه از اهمیتی به مراتب بیشتر در جهت ممانعت از درغلتیدن دوباره جهان در مسیر رقابت‌های شدید و بروز درگیری‌های نظامی بالقوه برخوردار شده است. راهبردهای موازنه قدرت متکی بر ابزارهای نظامی سستی به‌تنهایی قادر به تضمین صلح و ثبات بلندمدت در جهانی به هم وابسته نخواهد بود. نوعی رویکرد ترکیبی که شامل هر دو گونه سخت و نرم از موازنه متکی بر قابلیت‌های نظامی و دفاعی کافی جهت تأمین بازدارندگی شود، برای حفظ صلح در جهان‌های آتی ضرورت یافته است. موفقیت این رویکردها تا حد زیادی بر چگونگی نگاه هر دو گونه قدرت‌های بزرگ سستی و نوظهور به مشروعیت نظام بین‌المللی و نهادهای بالادستی مستقر بر سر مائاکا خواهد داشت. چنانچه این نهادها همچنان قوی باقی بمانند و از پایگاه‌های هنجاری تاریخی برخوردار باشند، تعاملات صلح‌طلبانه قدرت قابل تحقق خواهد بود. قدرت‌های سستی بدون استفاده از خشونت و از طریق آمیزه‌ای از فنون موازنه نرم و موازنه سخت محدود همراه با تسکلی عمیق از مشارکت و تعامل اقتصادی و سیاسی، قدرت‌های نوظهور را با خود همراه سازد.

این کتاب با الهام از توجه محافل دانشگاهی به ادراکات سوانه نرم در خصوص رفتار دولت‌ها در طول نخستین دهه از قرن بیست و یکم نوشته شده است. من به‌عنوان یکی از طرفداران واقعی رویکرد موازنه نرم از توضیحات و نقطه نظرات منتقدین این رویکرد نیز تأثیر پذیرفته‌ام. از همان زمان شروع به مطالعه سوابق تاریخی برای این موضوع، مشخص شد که استفاده از راهبرد موازنه نرم بین قدرت‌های بزرگ پدیده جدیدی به شمار نمی‌آید و آمریکا در دوران پس از جنگ سرد تنها نمونه برای تمرکز بر هدف موازنه نرم نبوده است. سوابق تاریخی حاکی از آن است که موازنه نرم در اوایل قرن نوزدهم و در زمانی تداول یافت که نهادهای بین‌المللی شروع به شکل‌گیری کردند و حالا چنین به نظر می‌رسد که به طرز فزاینده‌ای نه تنها از جانب چین و روسیه، بلکه از سوی دیگر کشورهای متأثر از سیاست‌های سلطه‌جویانه این قدرت‌ها نیز به کار گرفته می‌شود. این سخنان اصلاً بدان معنا

نیست که موازنه نرم همواره کارآمد است، ولیکن موازنه سخت نیز همواره موفق نبوده است. سوابق تاریخی بیانگر آن است که هر دوگانه سخت و نرم از موازنه در پاره‌ای مواقع در مهار تجاوزگری ناکام باقی مانده و حتی موجب سوق دادن آن‌ها به سمت تخاصم بیشتر نیز شده است. بااین حال، کشورها در مواجهه با یک دولت تهدیدگر از هر دوی این شیوه‌ها استفاده می‌کنند زیرا که این اقدام مطلوب‌تر از انفعال است.

این کتاب به پژوهش درباره استفاده از موازنه نرم از جانب قدرت‌های بزرگ و متحدان آن‌ها در جهان معاصر می‌پردازد و مطالعه خود را از اروپای قرن نوزدهم آغاز می‌کند. هدف من از انجام این پژوهش استخراج رویدادهایی کلیدی از بطن تاریخ پرخشاوری سیاسی دوست سال گذشته و بررسی این مسئله است که آیا قدرت‌های بزرگ در زمان‌هایی که استفاده از موازنه سخت به‌عنوان بهترین راه برای آن‌ها بوده است نیز موازنه نرم را در پیش گرفته‌اند و در این صورت، تحت چه شرایطی از موازنه نرم استفاده شده است؟ چه درس‌هایی می‌توان از این نمونه‌ها برای سیاست‌ورزی و اجرای صدیقانه سیاست‌های قدرت‌های بزرگ در دنیای جهانی‌شده‌تر و بهم‌وابسته‌تر آموخت؟ و تحت چه شرایطی می‌توان انتظار بازظهور همان شکل خشن از موازنه سخت سستی را داشت؟

این کتاب با واکاوی این پرسش‌ها به این نتیجه می‌رسد که در نظام بین‌المللی پیچیده قرن بیست و یکم یعنی در زمانی که جهانی‌شدن اقتصادی و وابستگی متقابل حاصل از آن بین قدرت‌های سستی و نوظهور روبه فزونی گذاشته است، موازنه نرم همان‌طور که عنوان یک رویکرد راهبردی کلیدی در جهت مهار رفتارهای تهدیدآمیز هر دو دسته از این کشورها پابرجا باقی مانده است. این سخن بدان معنا نیست که موازنه نرم همواره موفق عمل می‌کند و یا به نحوی گریزناپذیر به صلح می‌انجامد، بلکه گویای آن است که این روش تحت شرایط مختلف در مقایسه با اتکای صرف بر تقویت پرهزینه توان نیروهای نظامی، صاف‌بندی و گسترش جنگ، راهبرد بهتری به شمار می‌آید. حتی اگر اهداف، این راهبردهای «موازنه حداقلی» را در نظر نگیریم، کشورهای متأثر ممکن است مؤلفه‌های زیادی برای اتکا بدان‌ها نداشته باشند، درحالی که منتظر زمان مناسب برای بکارگیری راهبردهای متفاوت از جمله موازنه سخت خواهند بود.